

روسها همه چیز را می فروشند

آمریکائیان در بررسی راههای از میان برداشتن این پدیده معتقدند که تبدیل صنایع نظامی شهرهای پنهان به صنایع تولید کالاهای مصرفی چندان ساده نیست زیرا با توجه به نیاز مفرط روسها به ارز، کالاهای مصرفی پاسخگوی تأمین این نیاز نیستند، روسها هنوز برای ورود به بازرگانی اقتصاد آزاد راهی دراز در پیش دارند بنابراین تا رسیدن به آن مرحله برای تأمین نیازهای ارزی خود راهی جز فروش تکنولوژی تسلیحاتی و مواد اولیه ندارند. خریداران خارجی، از مناطق گوناگون و با هدفهای متفاوت برای خرید به روسیه می آیند. پاره‌ای به خاطر ارزانی سلاح و مواد اولیه و پاره‌ای برای تقویت رژیمهای باغی خود و سازمان دادن به اهداف تروریستی مراکز خرید روسیه را انباشته‌اند. بسیاری از خریداران به محض ورود به روسیه سراغ مقامات قبلی و فعلی ارتش و افسران کا-گک - ب را که مزایای گذشته آنها قطع شده و پول کافی برای داشتن زندگی بهتر ندارند می‌گیرند. افسران عالی‌رتبه نیروی دریائی کالاهای سوخت انباشته شده در انبارهای پایگاه‌ها را به خریداران خارجی می‌فروشند و سپس به بهانه اینکه برای به حرکت درآوردن کشتیها سوخت و لوازم یدکی ندارند قطعات آنها را نیز جدا کرده و به فروش می‌رسانند.

در یکی از این معاملات مقامات روس به فروش اوسمیوم ۱۸۷ که فلزی جنبی در تولید انرژی هسته‌ای است ولی کاربرد نظامی ندارد دست زدند. ارزش هر گرم این فلز ۴۰ هزار دلار است و مقامات روس در قبالت دریافت هفتاد هزار دلار از یک شرکت سوئدی چند گرم از این فلز را به این شرکت تحویل دادند و هرگز هم معلوم نشد که این پول به جیب کا-گک - ب رفته است یا افسران ارتش.

نویسنده این مقاله که بازرگان بین‌المللی یادشده را در این سفر همراهی می‌کرد می‌گوید ما یک سفر سه روزه به یکی از این شهرهای نظامی پنهانی که صنایع اسلحه‌سازی در آن

از مسکو دور و در اعماق کوههای اورال و یا سرزمینهای پوشیده از یخ دائمی سبیری واقع شده‌اند. امروزه این شهرها دیگر محرمانه نیستند ولی زندگی در آنها از گذشته طاقت‌فرساستر شده است، دانشمندان مستقر در این شهرها دستمزدی کمتر از ۱۰۰ دلار در ماه دریافت می‌کنند، کنترل شهرها نیز در دست سه ارگان یعنی ارتش، کا-گک - ب و مقامات سابق حزب کمونیست است. دستمزد هزاران دانشمند برجسته روس و میلیون‌ها کارگر مقیم این شهرها از طریق سوسیدهای دولتی پرداخت می‌شود که تنها برای سیرکردن شکمشان کفایت می‌کند و بنابراین فساد با تمام ابعادش این شهرها را انباشته است و آنها را تبدیل به مراکز فروش پیشرفته‌ترین سیستم‌های تسلیحاتی غیرهسته‌ای و فلزات کمیاب و استراتژیک کرده است.

ویلیام پری وزیر دفاع آمریکا می‌گوید: «این یک مسأله بسیار نگران‌کننده است ولی باز جای شکرش باقی است که هنوز اثری از معاملات سلاحهای هسته‌ای در این شهرها دیده نشده است.»

بخشی از این فروشها با تأیید دولت است و بخشی از آن باید با تصویب بعضی مقامهای دولتی که از معاملات سهمی می‌خواهند باشد، قسمتی نیز بوسیله مدیران دولتی کارخانجات مستقر در این شهرها در ازماء دریافت ارزهای معتبر به فروش می‌رسد. در بسیاری از موارد به خاطر حرص دستیابی به ارز مرز بین بخشهای گفته شده مشخص نیست و هر یک سعی دارند سهمی بیشتر از معاملات نصیب خود کنند.

نسانمشخص بودن فروشنده این وحشت را به وجود آورده که کنترلهای آتی بر تسلیحات هسته‌ای و غیرهسته‌ای روسیه به کلی از میان برود و هر خریداری که ارز معتبر در دست داشته باشد بتواند از این مراکز خرید کند و چنانچه هر چه زودتر درباره سرنوشت شهرهای پنهان اتخاذ تصمیم نشود خطر آن وجود دارد که هر شخص یا دولت بی‌مسئولیتی به سلاحهای مخرب و امحاء جمعی دسترسی پیدا کند.

آیا خریدار حجت جنگنده میگکه هستند؟ به دنبال خرید زرد با سوخت را کتور انجی می‌باشید؟ همه اینها و بسیاری چیزهای دیگر در شهرهای محرمانه نظامی روسیه قابل خرید است ولی هشدار باشید که مافیای روسیه، مأموران سابق کا-گک - ب و بوروکراتهای تازه به دوران رسیده مسکو هر یک از خرید شما سهمی می‌خواهند.

پایان ماه نوامبر است و هوا در بیرون یخبندان و میزان‌الحراره چند درجه زیر صفر را نشان می‌دهد، ما شش نفریم و با لباسهای ضخیم و گرم خود در زیرزمین یک هتل قدیمی در مرکز مسکو گسرد یک میز نشسته‌ایم. از طبقات بالای هتل صدای موزیک راک به گوش می‌رسد. کمتر اتفاق می‌افتد که جلسات تجاری در چنین محل نامناسبی تشکیل شود ولی شما در مسکو کمتر جای امنی را پیدا می‌کنید که بتوانید در آن برای معامله ۹۰ کیلوگرم زرد جمع شوید. چهار مرد روس طرف مذاکره برای انجام این معامله اشتیاق بسیار دارند ولی اصلاً حاضر نیستند از این معامله افرادی از قماش مأموران کا-گک - ب مطلع شوند. (گر چه در روسیه دیگر کا-گک - ب وجود ندارد و نام آن به سرویس ضداطلاعات فدرال تغییر یافته ولی مردم هنوز مأموران این سرویس را مأموران کا-گک - ب می‌نامند)، همچنین از این که افراد گروههای جانیکار که به مافیای روسیه شهرت یافته‌اند از این‌گونه معاملات مطلع شوند وحشت دارند. یکی از روسهای حاضر در جلسه شرح می‌داد که افراد این گروه یک مدیر هتل را که اطلاعات غلط در اختیار آنها گذاشته بود به قتل رساند، این قتل با سلاح گرم انجام نشد بلکه مافیای روس برای این که به دیگران درسی داده باشد او را با چاقو قطعه‌قطعه کرد و استخوانهایش را در هم شکست.

طرف مذاکره کننده با چهار فروشنده روس یک بازرگان بین‌المللی است که خریدار سیستمهای پیشرفته تسلیحاتی، نفت و طلاست و در فرصت موجود موفق شده است افرادی را که برای دستیابی به مقدار قابل توجهی زرد دارای ارتباطاتی هستند پیدا کند. ماه گذشته همین بازرگان توانسته بود به عمق کوههای اورال سفر کند. او از میان جنگلهائی گذشته بود که در هیچ نقشه جغرافیا از آنها اثری نیست. در این سفر او قرار بود برای خرید مقداری سنگهای گرانبها از معدنچینی که از دستمزد ناچیز خود به شدت ناراضی بودند با آنان ملاقات کند و وارد معامله شود، این معدنچیان به دنبال یک مشتری خصوصی بودند تا مقداری زرد به او بفروشند، این بازرگان سرانجام موفق به یافتن معدنی شد که از آن زمردی استخراج می‌شد که در برنامه‌های تسلیحات لیزری کاربرد دارد. این معدن از نظر فنی وابسته به میناتوم (وزارتخانه‌ای که در زمان شوروی سابق فعالیت‌های هسته‌ای امپراتوری را به عهده داشت) بود ولی امروز هیچ مقامی خود را مسؤول حفظ یا فروش زردها نمی‌دانست. بازرگان نامبرده بالاخره پس از مذاکرات طولانی با نمایندگان کارگران این معدن موفق به خرید ۹۰ کیلوگرم زرد شد.

صادرات تسلیحات

روسها مدت‌هاست که دست به صدور میلیاردها دلار تسلیحاتی و مواد اولیه زده‌اند که بسیاری از این صادرات غیرقانونی و به منظور کسب منافع شخصی بوده است. مافیای روس تقریباً در تمام این معاملات مشارکت دارد. در رأس این مافیا کانگستری هولناک با نام مستعار «گوریل» قرار دارد که از هر معامله غیرقانونی در روسیه سهمی می‌خواهد و تنها رقیب او در این دادوستدها کا-گک - ب است که از منافع هر معامله سهمی می‌خواهد.

مراکز حیاتی صنایع نظامی روسیه در شهرهای پنهانی و کاملاً بسته واقع‌اند که نامی ندارند و با کدهائی نظیر چلیابینسک ۶۵ و اسوردلوفسک ۴۵ شناخته می‌شوند. این شهرها بسیار

در یک معامله ۹۰ کیلو زمرد خرید شد!

دلار معامله می‌شود.

خریداران این فلزات به خوبی می‌دانند که انجام معامله مستقیم با روسها امکان‌پذیر نیست، گروهی دلال بین‌المللی که واسطه این معاملات هستند نخست ارتباط خود را با خریداران که اکثراً آلمانی و آمریکایی هستند برقرار می‌کنند و قیمت فلز دلخواه خود را به یکی از بانکهای سوئیس می‌ریزند، این گروه پس از تحویل فلز از جانب طرف روسی آن را در آزمایشگاههای ویژه‌ای که برای این نوع معاملات برپا کرده‌اند آزمایش می‌کنند و پس از اطمینان یافتن از خلوص و اصالت فلز آن را به مشتری خود تحویل می‌دهند. پس از این مرحله پول از بانک سوئیس به حساب فروشنده انتقال می‌یابد. به این ترتیب نه خریدار و نه فروشنده هرگز نه یکدیگر را ملاقات و نه از هویت یکدیگر مطلع می‌شوند. این دلالان و گروهی دیگر از خریداران که روسها از آنها درخواست پول نقد می‌کنند با چمدانهای مملو از ارز و در حالی که نگهبانان تومند از آنها حفاظت می‌کنند هتل‌های بنادر بالتیک را انباشته‌اند، آنها در عین حال کارشناسان و دانشمندانی را با خود همراه دارند تا برای حصول اطمینان از اصالت فلز خریداری شده آن را محک بزنند، فروشندگان معمولاً مافیای روس یا مأموران سابق کا-گ-ب هستند. بعضی از این مأموران حتی با مأموران سازمان سیا آمریکا برای قاچاق این فلزات ارتباط دارند، نحوه معاملات آنچنان پیچیده و پنهانی است که کشوری مانند استونی که خود تولیدکننده هیچیک از این فلزات نیست به عنوان کشوری ثالث بزرگترین صادرکننده این فلزات به شمار می‌رود و دولت استونی نیز که بخشی از سود این معاملات عایدش می‌شود جنبه قاچاقچیرگی آن را نادیده می‌گیرد. کمتر خریداری از خطرات ناشی از برقراری تماس مستقیم با فروشندگان روس استقبال می‌کند و همه ترجیح می‌دهند خرید خود را از طریق دلالان بین‌المللی به انجام برسانند.

مآخذ: تایم، آوریل ۹۴
بگردان از: سرویس ترجمه و گزارش،

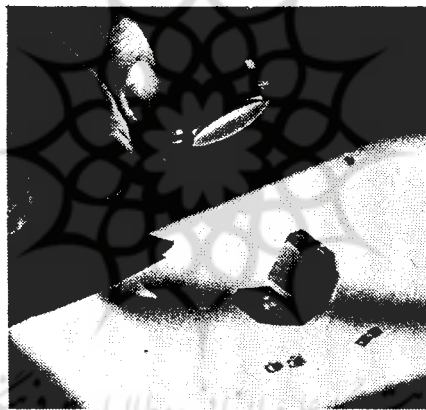
رئیس جمهوری کنونی روسیه در همین شهر به ریاست حزب کمونیست رسید. بازرگان همراه من چندان توجهی به تاریخچه شهر نداشت و به دنبال شهر پنهان اسوردلوسک - ۴۵ بود که در ۲۰۰ کیلومتری شمال این شهر قرار دارد و یکی از مراکز تولید کلامک‌های هسته‌ای روسیه به شمار می‌رود. در این شهر دانشمندان و تکنیسینهای روسی مشغول از کارانداختن بیشترین بخش از سی و دو هزار سلاح هسته‌ای به منظور خارج ساختن پلوتونیوم این سلاحها و بکارگیری آن در راکتورهای اتمی تولید برق هستند. مأموران کا-گ-ب همچنان ورود و خروج به این شهر را کنترل می‌کنند و هیچ جنبه غیرمجاز را به شهر راه نمی‌دهند، حتی توصیه‌های

حفظ حداکثر تمهیدات پنهانکاری و امنیتی هیچگاه فروش مستقیم سلاح به مشتری نبوده است بلکه فروش از طریق یک کشور اروپای شرقی انجام می‌گرفته است.

گرچه امروز کشورهایی نظیر بلغارستان، لهستان، مجارستان و اسلواک که نیاز حیاتی به ارز دارند خود مستقلاً کالاهای تسلیحاتی خود را به فروش گذاشته‌اند ولی همچنان کانالهای گذشته و روابطی را که سابقاً میان روسیه و این کشورها برقرار بود حفظ کرده‌اند و چه به صورت واقعی و چه صوری سلاحهای تولیدی خود را به جهان سوم سرازیر می‌کنند. به هر حال روسها بلافاصله خطوط تولید خود را برای ساخت تسلیحات مورد نیاز

مستقر است داشتیم، این بازرگان به دنبال خرید یک سیستم تسلیحاتی چند میلیون‌دلاری بود که از صنایع تسلیحاتی بسیار محرمانه روسیه به شمار می‌رفت. مدیر کارخانه که تأسیساتش در سبیری واقع است در حالی که با انگشتان ضخیمش با انتهای کراواتش بازی می‌کرد به دقت ما را ورنانداز کرد به صدلی بزرگ خود تکیه داده و به توضیحات بازرگان گوش می‌داد. یک مجسمه بزرگ مسی لنین تنها تزئین اتاق مدیر بود که روزهای خوش موفقیتهای سفینه‌های اسپونتیک را در بیننده تداعی می‌کرد. متوجه شدیم که درست به همانجائی آمده‌ایم که می‌توانیم به محموله‌ای که می‌خواهیم دسترسی پیدا کنیم. مدیر کارخانه از ما پرسید که چرا این همه راه را برای خرید کالائی آمده‌اید که یک کشور اروپای شرقی شبیه آن را تولید می‌کند و دسترسی به آن آسانتر است. بازرگان در پاسخ گفت که مشتری او یکی از کشورهای خاورمیانه است و اصرار دارد که این محموله از روسیه خریداری شود. این کشور ماههاست که برای خرید این محموله با مقامات روسی در حال مذاکره است ولی بر سر قیمت به توافق نرسیده‌اند. قیمت پیشنهادی مدیر روسی ۶/۵ میلیون دلار برای هر واحد تسلیحاتی بود و بازرگان روی ۵ میلیون دلار پافشاری می‌کرد، مدیر کارخانه فرصت خواست تا از مسکو کسب تکلیف کند. پس از ۲۴ ساعت مسکو موافقت خود را اعلام کرد. به علت سر و صدائی که بر سر فروش مستقیم تسلیحات روسی به یک کشور آسیائی بلند شده بود روسها توصیه کردند که مدارک معامله را طوری تنظیم کنند که این محموله از سوی کشور اسلواک خریداری شده و قرار شد پس از مراجعت به مسکو مراحل قطعی معامله انجام شود. بازرگان همراه من از این روش فروش هیچ تعجبی نکرد زیرا او مدت دو دهه در زمان حکومت شوروی برای خرید و فروش تسلیحاتی میان شوروی و کشورهای جهان سوم واسطه‌گری می‌کرد و خوب می‌دانست که روش روسها به خاطر

فصله‌ای از یک فلز استراتژیک ساخت روسیه زیر ذره‌بین واسطه‌های بین‌المللی



بازرگانان به کار انداختند و یک معامله صد میلیون دلاری را به فرجام رساندند، سرعت عمل و تجارب مدیران صنایع تسلیحاتی این شهر که همگی مقامات و ارتشی‌های شوروی و حزب کمونیست سابق بودند حیرت‌انگیز بود، به طوری که در مدتی کمتر از دو هفته لوازم مورد نیاز این محموله را از چند کارخانه دیگر تأمین کردند و با موتنازی سریع محموله را تحویل دادند.

فساد در معاملات فلزات گران قیمت
توقفگاه نهائی ما شهر بکارترین بورگ، یا اسوردلوسک سابق، مرکز ایالت اورال و شهری که نیکلای دوم آخرین تزار روسیه و خانواده‌اش در آن تیرباران شدند بود، بوریس یلتسین

یلتسین نیز برای ورود افراد به این شهر اعتبار ندارد، یک‌تاریخ‌نویس به دلیل تمرکز گونه‌های متنوع سلاحهای هسته‌ای و موشک به مرکز خرید بین‌المللی این سلاحها و بویژه فلزات نادر استراتژیک تبدیل شده است و روسها از قبل معاملات این فلزات سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند، اتسوع این فلزها از نظر معاملات بین‌المللی دارای محدودیت است ولی به نظر می‌رسد که روسها با توجه به نیاز حیاتی به ارزهای معتبر این محدودیتها را نادیده می‌انگارند. هر یک گرم از فلزاتی نظیر بورون - ۱۰ که در کنترل راکتورهای اتمی به کار می‌رود و اسمیم ۱۸۷ که یک ایزوتوپ غیر رادیواکتیو است به قیمت یکصد هزار